



۲ انتصاب در ارشاد

حسین جابری انصاری، سخنگوی پیشین وزارت امور خارجه به عنوان مدیرعامل خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) منصوب شد. جابری انصاری، متولد ۱۳۴۸ کار خود را سه دهه پیش در میز فلسطین وزارت امور خارجه آغاز کرد. مشاور معاونت عربی و آفریقایی، مدیرکل خاورمیانه عربی و شمال آفریقا، سخنگو و رئیس مرکز دیپلماسی عمومی و رسانه‌ای، معاون عربی و آفریقایی، مشاور ارشد وزیر در امور ویژه سیاسی و معاون کنسولی، مجلس و ایرانیان وزارت امور خارجه از جمله مسئولیت‌های او در این سال‌ها بوده است. پیش از این علی نادری، مدیرعاملی سازمان خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) را بر عهده داشت. در خیرگی دیگر همچنین با حکم سیدعباس صالحی، حسین انتظامی به عنوان معاون توسعه مدیریت و منابع وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منصوب شد. انتظامی اولین معاون توسعه وزارت فرهنگ است که سابقه دو معاونت تخصصی (مطبوعاتی و سینمایی) را در کارنامه خود دارد. پیش از او، سیدمحمود اسلامی این سمت را برعهده داشت.



خاویر باردوم نتانیاهورا محکوم کرد

خاویر باردوم در جشنواره سن سیاستین، بنیامین نتانیاهورا راجنایتکار خوانند و آمریکای بریتانیا خواست در حمایت از دولت رادیکال اسرائیل تجدیدنظر کنند. باردوم که راهی سن سیاستین شده تا جایزه دونوسیتا ۲۰۲۳ خود را دریافت کند به خبرنگاران گفت: «آنچه در غزه اتفاق می افتد کاملاً غیرقابل قبول، وحشتناک و غیرانسانی است.» این بازیگر برنده ای اسکار یادآور شد: «مصونیت از مجازاتی که دولت کنونی اسرائیل در اقدامات خود در غزه و کرانه‌های باختری از آن برخوردار است، باید تغییر کند. کشورهایی مانند آمریکا، آلمان و انگلیس به‌ویژه باید در حمایت بی قیدوشرط خود در باره این جنایت‌ها تجدیدنظر کنند. ممنوعیت ورود غذا، آب، دارو و برق، جنایت جنگی علیه کودکان است و این آسیب تا نسل‌ها ادامه می‌یابد.» او همچنین گفت که می‌داند حرف‌هایش چیزی را تغییر نمی‌دهد، اما معتقد است: «به‌عنوان یک جامعه تعهد اخلاقی داریم تا آنچه را که ناعادلانه می‌دانیم، محکوم کنیم.» همچنین کیت بلانشیت، جایزه دونوسیتا این جشنواره را که بالاترین جایزه افتخاری آن است دریافت کرد.



واکنش چمران به آثار خارج‌شده از موزه امام علی

رئیس شورای شهر تهران نسبت به تابلوهای خارج‌شده از موزه امام علی واکنش نشان داد. مهدی چمران، رئیس شورای شهر تهران در ارتباط با حواشی پیش‌آمده در روزهای اخیر در خصوص تابلوهای موزه امام علی (ع)، گفت: «در این خصوص نیز بی‌خودی شلوغ کرده‌اند اما در هر صورت ما دعوتی از رئیس سازمان فرهنگی، هنری شهرداری تهران کرده‌ایم تا در صحن شورا حاضر و گزارشی را در خصوص این تابلوها بیان کند.» چمران خریدوفروش تابلوها را در موزه‌های دنیا یک مرسوم و یک روال دانست و گفت: «در همه دنیا این کار انجام می‌شود و طبق قراردادها این کار صورت می‌پذیرد، ولی در هر صورت ما از رئیس سازمان فرهنگی، هنری شهرداری تهران خواسته‌ایم تا در صحن شورا حاضر و گزارشی ارائه کند.» بنا بر اطلاعات سایت ورلد آرت دبی، چهار اثر از ۳۰ اثر ارزشمند هنرمندان ایرانی که از موزه امام علی خارج شدند، در کشور امارات و شهر دوی فروخته شده‌اند و از ۱۶ اثر دیگر خبری نیست.

گفت‌وگو با احترام برومند

سینماگران وفاق کنند نه سیاستمداران



رضا صانمی خبرنگار گروه فرهنگ

نام احترام برومند خود یک برند در عرصه هنر و سینماست. او نه فقط به خانواده بزرگ سینما تعلق دارد که به یک خانواده مهم سینمایی هم تعلق دارد. همسر استاد داوود رشیدی و مادر لیلی رشیدی و خواهر مرضیه و راضیه برومند که هرکدام شان بخشی از خاطرات سینمایی ما را ساخته‌اند. جزو نخستین گویندگان و مجریان کودک تلویزیون بود. مجری برنامه کودک تلویزیون ایران پیش از انقلاب. از سال ۱۳۴۶ با برنامه کودک در تلویزیون فعالیت هنری خود را آغاز کرد. زندگی حرفه‌ای او با فرازونشیب‌های زیادی همراه بود و در بازیگری همواره گزیده کار بود. در چند ماه اخیر با حضوری کوتاه در سریال «در انتهای شب» در کانون توجه مخاطب قرار گرفت و حالا هم در فیلم «آغوش باز» به‌روز شعبانی که در حال اکران است، بازی کرده است. به این بهانه به گفت‌وگو با او نشستیم؛ گرچه گفت‌وگو با احترام برومند بهانه نمی‌خواهد.



خانم برومند شما هم از خانواده سینما هستید، هم از یک خانواده سینمایی و خوب می‌دانید که مدت‌هاست حال سینما خوب نیست. حالا با تغییر دولت در مرحله انتقال قدرت هستیم و چشم به راه تغییراتی در مدیریت و سیاست‌های سینمایی که روزنه‌ای به امید و بهبود بگشاید. به نظر شما باید چه کرد تا حال سینما بهتر شود و خانواده سینما از این افسردگی صنفی رها شود؟

خب من فکر می‌کنم طبیعتاً تمام اتفاقاتی که در جامعه رخ می‌دهد نه فقط هنرمندان و سینماگران که همه اقشار مختلف جامعه را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. از پرشکان و اهالی تجارت گرفته تا تولیدکنندگان، کارگران و تمام طبقات اجتماعی. بدیهی است در این بین هنرمندان به دلیل روحیه حساس و ظریف‌تری که دارند بیشتر از وقایع و رخدادهای اجتماعی متأثر می‌شوند. همچنان که اهالی فرهنگ و قلم و روزنامه‌نگاران از ضرب آسب‌پذیری بیشتری در برابر بحران‌های اجتماعی برخوردارند. خوب در صنف سینما به‌جز برخی افراد و گروه‌های ویژه‌ای که اتفاقاً در این شرایط نابسامان خیلی حالشان خوب بود و زندگی‌شان را سر و سامان دادند، اغلب اصناف سینمایی با مشکلات کاری، مالی و معیشتی مواجه بودند که دور از شأن و منزلت اجتماعی و حرفه‌ای آنها بود. من نمی‌خواهم بگویم آنهایی که خوب کار کردند از بیکاری دیگران خوشحال بودند، نه به‌هیچ‌وجه، این را نمی‌گویم ولی به هر حال یک عده در همین شرایط بد با بهره‌گیری از برخی فرصت‌ها توانستند جهش کنند اما کلیت سینمای ایران و حتی هنرهای دیگر مثل تئاتر در یک ملال و روخت تاریخی قرار گرفتند. طبیعتاً هر کسی با هر جور سلیقه‌ای حق دارد که بتواند از بین فیلم‌هایی که تولید می‌شود آنچه را که مورد علاقه‌اش است انتخاب کند و ببیند. فیلمسازان هم الزاماً نمی‌توانند که یک جور فیلم بسازند و هرکدام از آنها هم سلیقه خود و جایگاه هنری خود را دارند. طبیعتاً آقای کیارستمی وقتی که بود، نمی‌توانست آن طوری فیلم بسازد که مربوط به جریان بدنه سینما بود. کسی که در ژانر دفاع مقدس کار می‌کند هم در درون همین سینما فعالیت می‌کند. به نظرم هیچ‌کدام جای همدیگر را تنگ نمی‌کنند به‌شرط اینکه این وسط استثنا قائل نشد. یعنی واقعاً وقتی فیلم خوب ساخته می‌شود اکران درست به آن داده شود و نوبت اکران و سهم سینما و سالن‌ها براساس رانت و حق ویژه نباشد. من در ۶۰-۵۰ سالگی که در سینما حضور داشتم شاهد نابرابری‌ها بودم، اما نه به اندازه ناعدالتی‌ها و نابرابری‌هایی که در سال‌های اخیر شاهد بودم. من خیلی شناختی از مناسبات تولید و اکران در سینما ندارم اما می‌دانم که مافیای اکران و زد و بندهای سینما داران و مسائلی از این دست همیشه بوده یا همیشه بر سر اکران و نمایش فیلم‌ها بحث و مناقشه وجود دارد، اما باید مراقب بود که به بحث و دعوی شخصی تبدیل نشود و همواره منافع و مصلحت سینما را در نظر گرفت، به‌ویژه فیلم‌هایی که تفکر و اندیشه‌ای پشت آن است یا فیلم‌هایی که به‌اصطلاح مخاطبان خاصی دارند به حمایت بیشتری احتیاج دارند. در واقع سینما زمانی حالش خوب است که سلاقی مختلف و کارگردان‌ها با ایده‌های مختلف حق داشته باشند فیلم خودشان را بسازند. اینکه متولیان امور فرهنگی و سینمایی، سلیقه متنوع مخاطب را منطبق با سیاست‌گذاری‌های خود کنند، سینما را از مسیر واقعی و درست خود خارج می‌کند و امکان شکوفایی درونی آن را می‌گیرد. اینکه شاهد تولید برخی کمدی‌های نازل و سطحی هستیم حاصل همین سیاست‌گذاری‌های یکسویه و نظارتی است که سلیقه خود را بر نظام تولید در سینما سلطه می‌دهد. نمی‌خواهم بگویم همه این آثار بد و سطحی هستند اما وقتی فضا و امکانات برای جوان‌های بالاستعدادی که حرفی تازه در سینما دارند فراهم نیست، نمی‌توان انتظار شاهکار داشت. دولت جدید نام خودش را دولت وفاق گذاشته است اما نباید این فقط وفاق بین سیاستمداران باشد. وفاق باید بین لایه‌های مختلف اجتماعی هم رخ دهد از جمله در سینما. آنچه حال سینما را خوب می‌کند و وفاق سینماگران است، نه وفاق سیاستمداران.

بسیار گمانم در پس این وفاق باید شکاف بی‌اعتمادی و بدبینی که بین سینماگران و سیاستمداران در سال‌های اخیر رخ داده، پر شود تا سینما بتواند در مسیر پویایی و شکوفایی قرار بگیرد و حالش بهتر شود.

همینطور است. آنقدر این شکاف بی‌اعتمادی و بدبینی زیاد شده که گاهی هنرمندان می‌ترسند با یک پروژه سینمایی و تلویزیونی همکاری کنند که مبادا بر چسب هنرمند حکومتی بخورند. در واقع دامنه این شکاف بین هنرمندان و مردم هم رسیده و تعمیم یافته است و این روند خلاقه کار هنری را مختل می‌کند و آن ارتباط عاطفی و صمیمی و اعتمادی که همواره بین مردم و هنرمندان بوده را کاهش داده و خدشه‌دار می‌کند. به نظرم این بر چسب خوردن‌هایی بی‌اعتمادی مخاطب به هنرمند خیلی بدتر از بیکاری آنهاست. کار نکردن معیشت هنرمند را تهدید می‌کند اما بی‌اعتمادی به آنها و بر چسب خوردن‌ها حیثیت هنری و حرفه‌ای آنها را از آن طرف هم ممنوع‌الکار و ممنوع‌التصویر کردن بازیگران، معضل دیگری در سینمای ماست که این شکاف بی‌اعتمادی را گسترش داده و به ایجاد فضای پرچالش و دست‌اندازی تبدیل کرده که حاصلش تضعیف سینما و درنهایت کاهش مخاطبان است. وقتی فرآیند تولید فیلم به دلایلی که مطرح کردیم با چالش مواجه شود، فیلم خوب هم تولید نمی‌شود و درنهایت مردم کمتر به سینما می‌روند. در واقع دود این آتش به چشم مردمی می‌رود که سینمای ایران را دوست دارند و دوست دارند به سینما بروند.

راستی شما الان هم سینما می‌روید و فیلم می‌بینید؟ راستش من الان خیلی کم سینما می‌روم ولی یادم هست که زمان‌های قدیم یک نوع از فیلم‌هایی که همیشه ما را به تماشا جلب می‌کرد، اتفاقاً فیلم‌های کمدی بود. یادم هست بچه که